

## عوامل شکست و پیروزی مسلمانان در جنگ‌های بدر و احد (برداشتی برای گذر از پیچ تاریخی تمدن اسلامی)

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدرضی آصف آگاه (اشکوری)\*

### مقدمه

اکنون ایران اسلامی در پیچ تاریخی تمدن اسلامی قرار دارد و باید از عقبه‌هایی مانند جنگ احد بگذرد. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>. مسلمانان در جهان برترین هستند؛ اما تمدن مسلمانان امروزه برترین نیست. این نوشتار از دیدگاه قرآن راه رسیدن به این برتری را بیان می‌کند. «جنگ احد» یکی از عبرت‌های تاریخی مسلمانان و درسی بزرگ برای چیره‌شدن بر دشمن و دوری از عوامل شکست است. «جنگ احد» در ماه رمضان در سال سوم هجری قمری به وقوع پیوست. گاهی سؤال از چگونگی این حادثه و بیان وقایعی است که در این جنگ به وقوع پیوست؛ اما مهم‌تر از آن، نگاه فلسفه تاریخی و بررسی عوامل شکست و پیروزی مسلمانان در این جنگ است. به این مناسبت آیات «جنگ احد» خوانش می‌شود و بر اساس آن چرایی پیروزی‌ها و شکست‌ها از دیدگاه قرآن بیان می‌شود. آیات ۱۲۱ تا ۱۷۹ سوره آل عمران مربوط به این جنگ است؛ البته آیات ۱۳۰-۱۳۸ (آیه ۹) و ۱۵۹-۱۶۴ (آیه ۹) مربوط به «جنگ احد» نیست و میان آیات مربوط به این جنگ قرار گرفته است. آیه‌های ۱۳۹ و ۱۵۲ عوامل بیشتر و مهم‌تری از پیروزی و شکست را بیان کرده‌اند و مناسبت است آیات صدر سخنرانی قرار گیرند.

در سال دوم هجری که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند، خدای متعال وعده داد در

\* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. آل عمران: ۱۳۹.

جنگ‌های آینده نیز پیروز خواهند شد.<sup>۱</sup> در سال بعد و هنگام وقوع جنگ احد، عواملی سبب شکست مسلمانان شد. پس از پایان جنگ، مسلمانان نسبت به رسول الله ﷺ انتقاد می‌کردند که مگر خدا به ما وعده پیروزی نداده بود؛ پس چرا شکست خوردیم؟ آیه ۱۵۲ سوره آل عمران پاسخ می‌دهد وعده خدا راست و درست بود؛ ولی شما خود سبب این شکست شدید. این نوشتار به عوامل شکست و پیروزی مسلمانان بر اساس آیات مرتبط با «جنگ احد» می‌پردازد.

### دورنمایی از جنگ احد

کفار قریش سال دوم هجری با دادن هفتاد کشته و هفتاد اسیر در جنگ بدر شکست خورده به مکه بازگشتند. ابوسفیان گفت: بر کشته‌ها گریه نکنید، تا عقده‌ها خالی نشود و کینه‌ها باقی بماند. همگی شعار انتقام سر دهید. سال بعد کفار مکه با سه هزار سوار، دوهزار پیاده و تجهیزات کامل به قصد جنگ با مسلمانان به سوی مدینه حرکت کردند. عباس عموی پیامبر ﷺ که تا آن روز اسلام نیاورده بود و در مکه زندگی می‌کرد، به دلیل علاقه و محبت زیادی که به پیامبر داشت، ماجرای حرکت و حمله کفار را در نامه‌ای محرمانه توسط مردی از قبیله بنی غفار نزد پیامبر فرستاد. همین که رسول گرامی اسلام ﷺ از ماجرا باخبر شد، گروهی را از مدینه برای کسب اطلاعات بیشتر به سوی مکه فرستاد. مأموران پس از بازگشت، حرکت قوای کفار به سرکردگی ابوسفیان را تأیید کردند.

رسول خدا ﷺ در روز جمعه جلسه‌ای تشکیل داد و با مسلمانان در این باره مشورت فرمود. در این جلسه دو دیدگاه مطرح شد: ۱. در مدینه بمانیم و در کوچه‌ها سنگر بگیریم تا همه بتوانند به ما کمک کنند؛ ۲. از مدینه خارج شده و در بیرون شهر بجنگیم.

دیدگاه دوم که همراه با حماسه و اظهار شجاعت بود، جوانان را جذب نمود و طرفداران بیشتری پیدا کرد. با اینکه نظر رسول خدا ﷺ مانند در شهر بود، به احترام احساسات جوانان از رأی خود صرف نظر کرد؛ سپس آن حضرت همراه یک نفر برای آماده کردن اردوگاه از شهر مدینه خارج شد و محلی را در دامنه کوه احد که شرایط نظامی خوبی داشت، برگزید. آن‌گاه پیامبر ﷺ در خطبه نماز جمعه مردم را از ماجرا مطلع فرمود و پس از نماز با لشکری هزارنفری از مهاجران و انصار رهسپار میدان جنگ شدند. فرمانده این جنگ شخص رسول خدا ﷺ بودند. ایشان چند

۱. همان: ۱۵۲.

پرچم را برافراشتند که بعضی به دست مهاجران و بعضی به دست انصار سپرده شد. حرکت از مدینه تا اردوگاه احد پیاده بود و رسول الله ﷺ از اصحاب در طی حرکت سان دید و صفوف را منظم فرمود. <sup>۱</sup> پیامبر ﷺ نماز صبح را با هفتصد نفر در احد اقامه کردند و عبدالله بن جبیر را با پنجاه نفر از تیراندازان ماهر، مأمور حفظ دهانه حساس کوه قرار دادند و سفارش فرمودند هرگز این منطقه را خالی نکنید. ابوسفیان نیز خالد بن ولید را همراه با دویست نفر مأمور کرد تا هرگاه نگهبانان از دهانه کوه غفلت کردند، از پشت سر به سپاه اسلام حمله‌ور شوند.

سرانجام دو لشکر در برابر یکدیگر صف‌آرایی کردند. ابوسفیان به نام بت‌ها و زنان زیبا و رسول خدا ﷺ به نام خداوند متعال، سپاه خود را تشویق می‌کردند. از لشکر مسلمانان فریاد الله اکبر و از سپاه کفر صدای دف بلند بود. جنگ که شروع شد، مسلمانان با حمله‌ای سریع لشکر قریش را درهم شکستند، سپاه کفر پا به فرار گذاشتند و مسلمانان آنها را تعقیب کردند. بعضی از مسلمانان به خیال شکست قطعی کفار سرگرم جمع‌آوری غنایم شدند؛ نگهبانان دهانه کوه نیز برخلاف سفارش‌های پی‌درپی رسول الله ﷺ به طمع جمع‌آوری غنایم، منطقه تحت حفاظت خود را رها کردند. در این هنگام خالد بن ولید با دویست نفر سپاه خود که در کمین بودند، از فرصت استفاده کرد و از پشت به سپاه اسلام حمله کردند. ناگهان مسلمانان خود را در محاصره کفار دیدند. حمزه عموی پیامبر ﷺ شهید شد و جز افراد معدودی که پروانه‌وار گرد وجود مبارک رسول الله ﷺ بودند، بقیه مسلمانان پا به فرار گذاشتند.

در این جنگ نقش علی بن ابی‌طالب علیه السلام از همه افراد برجسته‌تر و بیشتر بود؛ به گونه‌ای که شمشیر آن حضرت شکست و پیامبر ﷺ شمشیر خود به نام ذوالفقار را به آن حضرت داد و علی علیه السلام از ایشان حفاظت می‌کرد. در این جنگ شصت ضربه و زخم بر پیکر مبارک علی علیه السلام وارد شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جبرئیل را میان زمین و آسمان دید که می‌گوید: لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار: <sup>۲</sup> جوانمردی جز علی علیه السلام و شمشیری جز ذوالفقار وجود ندارد.

یکی از کفار مکه به نام ابن قمعه، سرباز فداکار اسلام مَصعب را به خیال اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله است، شهید کرد و فریاد زد: به لات و عزی سوگند که محمد کشته شد. کفار به کشته شدن

۱. برای توضیح بیشتر ر. ک به: جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۸؛ محمدابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۸۵.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۹۰.

رسول خدا ﷺ مطمئن شدند، راه مکه را در پیش گرفتند و جنگ را رها کردند. در این میان مسلمانان نیز با شنیدن شایعه شهادت رسول خدا ﷺ با ترس و وحشت پا به فرار گذاشتند و بعد از باخبر شدن از زنده بودن پیامبر ﷺ بازگشتند و از آن حضرت عذرخواهی کردند. در این جنگ هفتادتن از مسلمانان شهید و عده زیادی نیز مجروح شدند.<sup>۱</sup>

هر پدر بر سر نعش پدرش می‌گرید  
 ای عمو جان به سر پیکر تو گریه کنم  
 من به جای پدر و مادر تو گریه کنم  
 باز هم شکر عمو، رأس تو بر نیزه نرفت  
 باز هم شکر که در حلق تو سر نیزه نرفت  
 ای عمو رأس تو در بزم شرابی که نرفت  
 به تماشا سوی هر شهر خرابی که نرفت<sup>۲</sup>

### عوامل شکست در جنگ احد

در سوره آل عمران می‌خوانیم:

«وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۳</sup> خداوند وعده خود را به شما، [درباره پیروزی بر دشمن در احد،] تحقق بخشید؛ در آن هنگام [که در آغاز جنگ،] دشمنان را به فرمان او، به قتل می‌رساندید؛ [و این پیروزی ادامه داشت] تا اینکه سست شدید؛ و [بر سر رهاکردن سنگرها،] در کار خود به نزاع پرداختید؛ و بعد از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید [از غلبه بر دشمن] به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت؛ [و پیروزی شما به شکست انجامید] تا شما را آزمایش کند و او شما را بخشید؛ و خداوند نسبت به مؤمنان، فضل و بخشش دارد.

در ابتدای آیه تأکید شده است نصرت خداوند مشروط به آن است که شما به وظیفه خود عمل کنید: «لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ». سپس می‌فرماید: «حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ»؛ با کلمه «حتی»

۱. دورنمای جنگ احد به نقل از: محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۹۷.

۲. شعر از رضا رسول‌زاده.

۳. آل عمران: ۱۵۲.

انتهای وعده پیروزی را بیان می‌کند؛ یعنی هرگاه اطاعت نکنید، شکست می‌خورید. در آیات دیگر نیز با قضیه شرطیه به صراحت بیان شده است تمام وعده‌های خدا مشروط است؛ برای مثال می‌فرماید: «إِنْ تَنْصِرُوا اللَّهَ يَنْصِرْكُمْ»<sup>۱</sup>: اگر قدم در یاری خدا بردارید، خدا شما را یاری می‌کند. در اینجا به تبیین عوامل شکست مطابق آیه فوق می‌پردازیم:

### عامل اول: سستی و بی‌توجهی «فَشِلْتُمْ»

این آیه ابتدا بر عامل درونی دست می‌گذارد و عامل شکست‌های بیرونی در جنگ را درونی می‌داند و می‌فرماید شما در درون سست و بی‌توجه شدید؛ بنابراین در بیرون شکست خوردید: «فَشِلْتُمْ .. صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ». نتیجه کنش جامعه بی‌توجه در امر دین و ولایت و انجام وظایف، شکست است. جامعه بی‌توجه نسبت به آرمان‌های اسلامی، از اهداف دور می‌شود و به وظایف عمل نمی‌کند. سستی و بی‌توجهی مردم حداقل دوگونه است: بی‌توجهی موقت و محدود و بی‌توجهی دائم و همه‌جانبه. بی‌توجهی نوع اول شکست موقعیت را به دنبال دارد؛ اما سوگ‌مندانه بی‌توجهی نوع دوم منجر به شکست دائمی می‌شود، مگر آنکه جامعه از سستی دست بردارد و از رهبر الهی پیروی نماید.

پرسش این است که چرا جامعه دچار بی‌توجهی می‌شود؟ عوامل بی‌توجهی زیاد است؛ اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل ناامیدی است. بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و کوچک‌نمایی قوت‌ها سبب فروکش کردن امید و سست شدن در مسیر می‌شود. رهبر معظم انقلاب فرمود: «نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. سیاست رسانه‌ای دشمن مایوس‌سازی مردم و مسئولان ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و ....»<sup>۲</sup>. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي، وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا أُرْضِعَتْ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا، وَ لَا عَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا»<sup>۳</sup>: امید برای امت من رحمت است. اگر امید نبود، هیچ مادری به فرزند خود شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت.

امروزه در ایران یکی از مهم‌ترین عوامل ناامیدی، ندیدن قوت‌ها و بزرگ‌تردیدن

۱. محمد: ۷.

۲. سیدعلی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

Khamenei.ir

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۳.

ضعف‌هاست؛ پس باید قوت‌ها را به نمایش گذاشت؛ مانند ارتقای ایران پس از پیروزی انقلاب از حدود رتبه پنجاهمین به شانزدهمین و کمتر از آن در تولید علم، نانو، داروسازی، هسته‌ای، هوا و فضا، فیزیک، ریاضی و بیوشیمی. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و زمان شاه ۶۸٪ مردم بی‌سواد بودند، ۹۶٪ مردم برق نداشتند، ۶۴٪ مردم سوء تغذیه داشتند، ۳۶٪ شهرنشینان در یک اتاق زندگی می‌کردند، ۴۶٪ مردم زیر خط فقر بودند که امروزه ۱۱٪ شده است؛ این آمار در آمریکا ۱۲٪، در انگلیس ۱۹٪ و در آلمان ۱۵/۵٪ است.<sup>۱</sup>

### عامل دوم: اختلاف «تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ»

اولین نتیجه سستی، اختلاف است. جامعه بی‌توجه و سست دنبال بهانه می‌گردد تا از مسئولیت شانه خالی کند و برای رسیدن به آن به منازعه می‌پردازد و دچار سردرگمی و اختلاف می‌شود.

### عامل سوم: سرپیچی «عَصَيْتُمْ»

نتیجه دو عامل سستی و اختلاف، سرپیچی از فرمان خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. از یک‌سو بی‌توجهی و از سوی دیگر اختلاف، نتیجه را به زیر پا گذاشتن فرمان حجت الهی می‌کشاند. نتیجه سه عامل سستی، اختلاف و اطاعت نکردن از فرماندهی، فرار و سراسیمگی در جبهه نبرد است: «حَتَّىٰ إِذَا فِشَلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ ... إِذْ تُصْعِدُونَ».

در طول تاریخ بی‌توجهی مردم راه را برای جلو دار شدن مستکبران باز کرد؛ بی‌توجهی بیشتر مردم در زمان رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خلیفه را جایگزین ولی خدا کرد، بی‌توجهی زمان امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، امام را خانه‌نشین و دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به شهادت رساند، بی‌توجهی مردم زمان امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام ولایت را به پادشاهی و سلطنت اموی مبدل کرد؛ بی‌توجهی بیشتر مردم زمان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، امام را در خون غلطانند و در نهایت بی‌توجهی بیشتر مردم زمان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، مردم را از دیدار او محروم و به پرده غیبت کشاند. امروزه نیز بی‌توجهی مردم می‌تواند منجر به ادامه یافتن اغتشاشات گردد و مسیر عقلایی اعتراض را منحرف یا مسدود کند.

هرگاه سه عامل سستی، اختلاف و سرپیچی با هم جمع شود، شکست حتمی است و به میزان ضعف و قوت این سه عامل، شکست نیز موقت یا دائمی می‌شود.

۱. سید محمدحسین راجی، گام تمدن‌ساز، ص ۴۶ - ۱۰۰. مطالعه این کتاب بسیار توصیه می‌شود. استنادهای این کتاب بیشتر از منابع خارجی است.

مگر خدا نَبُود یار مسلمین در جنگ      چرا به جنگ اُحُد عرصه شد بر ایشان تنگ  
برای اینکه اطاعت نشد ز ختم رسل      نبی محافظت تنگه داد، بر یک هنگ  
که دشمن ار کند حمله از میان دو کوه      کنند دفع، همان هنگ مثل شیر و پلنگ  
ولی رها بنمودند تنگه را یاران      نکرد خصم ز حمله از شکاف درنگ  
از این قضیه بگیرند مؤمنان عبرت      که تا اطاعت مولایشان شود فرهنگ<sup>۱</sup>

### عامل چهارم: دنیاخواهی «مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا»

عامل اساسی دیگر در شکست، دنیاطلبی است؛ زیرا کسی که دنبال دنیا است، در مقابله با دشمن سست اراده می‌شود، با دوستان به منازعه می‌پردازد و از امر رهبر سرپیچی می‌کند. آیه در ادامه به سنت الهی آزمایش ملت‌ها اشاره می‌کند و شکست‌ها را وسیله آزمایش الهی می‌داند: «لِيَبْلِغَكُمْ»؛ تا امت‌ها با شکست هوشیار شوند و به ولایت خدا و حجت او برگردند. گویا شکست در ظاهر، نعمت و در باطن می‌تواند نعمت و سبب ازدیاد نعمت شود.

خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»<sup>۲</sup> اینها کسانی بودند که [بعضی از] مردم، به آنان گفتند: مردم [= لشکر دشمن] برای [حمله به] شما اجتماع کرده‌اند؛ از آنها بترسید! اما این سخن بر ایمان‌شان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست.

ملت با ایمان از تهدید فرصت می‌سازد؛ همان‌گونه که ملت ایران در جنگ تحمیلی چنان خود را مقتدر نشان داد که دشمن فکر حمله نظامی را از سر خود بیرون کرد. در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ نیز مردم با حضور در راهپیمایی ۱۳ آبان و تشییع جنازه شهدای عزیز تهدید را به فرصت همدلی و پشتیبانی از انقلاب بدل کرد و چهره واقعی استکبار، آمریکا، اسرائیل و اروپا را نمایان کرد. امام خمینی علیه السلام فرمود: «هرچه فریاد دارید سر "آمریکا" بکشید»<sup>۳</sup>.

### عامل پنجم: گناه «إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا»

خداوند درباره علت دیگر شکست می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا

۱. سروده دکتر مصطفی محسنی.

۲. آل عمران: ۱۷۳.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱.

اَسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ<sup>۱</sup>: کسانی که در روز روبرو شدن دو جمعیت با یکدیگر [در جنگ احد] فرار کردند؛ شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناہانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت و خداوند آنها را بخشید. خداوند، آمرزنده و بردبار است.

این آیه با نگاهی آسیب‌شناسانه دلیل فرار بعضی از مسلمانان در جنگ احد را لغزش آنان توسط شیطان می‌داند و دلیل دچار شدن مردم به این لغزش را گناه می‌داند. درحقیقت گناه میدان را برای وسوسه‌های شیطان باز می‌کند که: «اَسْتَزَلَّهُمْ ... بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا». در تفاسیر آمده است در جنگ احد جز سیزده نفر (پنج نفر از مهاجران و هشت نفر از انصار) همه فرار کردند. درباره اینکه این سیزده نفر به جز علی علیه السلام چه کسانی بودند، اختلاف است. مسلمانان در جنگ احد چهار دسته شدند: شهدا، صابران، فراریان که مورد عفو قرار گرفتند و منافقان.

### فرصت‌شناسی دشمن از شکست مسلمانان

خداوند به مسلمانان هشدار می‌دهد از کافران فرمان نبرید که موجب خسارت و زیان شما می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْدُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»<sup>۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به گذشته‌هایتان بازمی‌گردانند و سرانجام، زیان‌کار خواهید شد.

در شأن نزول این آیه می‌خوانیم در «جنگ احد» وقتی که مسلمانان شکست خوردند، عبدالله بن ابی‌سردسته منافقان فریاد زد: به برادران مشرک ملحق شوید و همان بت‌پرستی را ادامه دهید. این آیه به روشنی هشدار می‌دهد که در فرازونشیب‌ها، مراقب تبلیغات و وسوسه‌های دشمن باشید، مبادا کم‌کم به آنان گرایش پیدا کنید. اگر «إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا»، دچار شکست نهایی می‌شوید؛ زیرا شکست در میدان جنگ خسارتی است که جبران‌پذیر است؛ اما شکست اعتقادی و ارتداد، خسارتی بس بزرگ است: «فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ».

### عوامل پیروزی

در آیات مربوط به جنگ بدر و احد عوامل پیروزی چنین بیان شده‌اند:

۱. آل عمران: ۱۵۵.

۲. همان: ۱۴۹.



## ۱. ایمان

سستی نورزیدن در انجام فرمان الهی و جهاد، اندوهگین نشدن در حوادث و سختی‌ها از ثمره‌های ایمان واقعی است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup> و سست نشوید و غمگین نگردید؛ و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.

ایمان شرط اساسی برای کسب نصرت و پیروزی الهی است. هرچه درجه ایمان بالاتر رود، پیروزی نزدیک‌تر است؛ البته لازمه نیل به پیروزی، مجاهدت فراوان است تا مسلمانان را به ظرفیت ایمانی بالا برساند و بتواند سختی‌ها را تحمل نمایند.

در جریان تعقیب حضرت موسی علیه السلام توسط فرعون، تعدادی از اصحاب سست‌ایمان به موسی علیه السلام گفتند: «فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»<sup>۲</sup> هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم. اما حضرت موسی علیه السلام با اطمینان کامل از کمک الهی فرمود: «قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»<sup>۳</sup> [موسی] گفت: چنین نیست؛ به یقین پروردگرم با من است، به زودی مرا هدایت خواهد کرد. چنان‌که امام خمینی فرمود: «فتح خرمشهر یک مسئله عادی نبود... فوق طبیعت است»<sup>۴</sup>. ایشان در بیانی دیگر، شن‌های بیابان طبس را مأمور خدا دانست.

## ۲. استقامت و تقوا

خداوند درباره دیگر دلیل دیگر نصرت و پیروزی مسلمانان می‌فرماید: «بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»<sup>۵</sup> آری، [امروز هم] اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج‌هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد.

خداوند در آیه دیگری درباره اهمیت مقاومت و پایداری در راه حق می‌فرماید: «كَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»<sup>۶</sup> چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند. آنها

۱. همان: ۱۳۹.

۲. شعراء: ۶۱.

۳. همان: ۶۲.

۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۸۱.

۵. آل عمران: ۱۲۵.

۶. همان: ۱۴۶.

هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند [و تن به تسلیم ندادند]؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد. بنابراین آیات الهی عواملی که سبب پیروزی جبهه حق در برابر کفر، شرک و نفاق خواهد شد، عبارت‌اند از: ایمان، مجاهدت، امید، صبر، تقوا و استقامت. جامعه‌ای که این عوامل پیروزی را کسب نکند، فاصله زیادی با پیروزی دارد و تاب استقامت در برابر دشمنان را ندارد.

### فهرست منابع

#### قرآن مجید

۱. آیتی، محمدابراهیم؛ تاریخ پیامبر اسلام؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۲. راجی، سیدمحمدحسین و دیگران؛ گام تمدن‌ساز؛ تهران: نشر معارف، ۱۴۰۰ ش.
۳. سبحانی، جعفر؛ فروغ ابدیت؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۴. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ قم: دار الکتب الاسلامیه، [بی تا].
۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۸. موسوی خمینی (امام)، سیدروح‌الله؛ صحیفه امام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.
۹. سایت مقام معظم رهبری: [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir).